

بررسی آسیب‌ها و چالش‌های زیست محیطی از منظر آیات و روایات و حقوق موضوعه

غفور خوئینی

دانشیار فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

محمد مهدی یحیی پور^۱

دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزا، پردیس بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۲۰

چکیده

اسلام در کلیه شؤون و روابط انسانی اعم از روابط الهی و بشری بلکه حتی در پیوندهای انسان با حیوانات و دیگر اشیاء دخالت کرده و برای همه مقرراتی وضع نموده است، لیک به یقین در هیچ یک از منابع اسلامی به عنوان محیط زیست حکمی مطرح نشده است ولی بدون تردید درباره آب، خاک، زمین، هوا، پاکی، ناپاکی، نظافت، آلودگی، طوفان، باد، گرد و خاک، آتش سوزی، اتلاف، تسبیب و مسائلی از این قبیل در آیات و احادیث و سایر منابع احکام و نیز قوانین موضوعی ایران وجود دارد. مهم‌ترین سؤالات تحقیق حاضر عبارت‌اند از: در فقه و قوانین موضوعه حدود و ثغور حقوق محیط زیست تا کجاست؟ آیا در فقه نیز مانند حقوق کیفری ضمانت اجرایی برای خسارت وارد کنندگان به محیط زیست وجود دارد یا خیر؟ با توجه به اینکه موضوع آسیب‌ها و چالش‌های زیست محیطی یکی از مهم‌ترین معضلاتی است که انسان معاصر را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. این مسأله از آن جهت دارای اهمیت است، که علائم تهدید کننده حیات، آشکار شده و نسل حاضر و آینده را به دلیل آلودگی‌های گسترده زیست محیطی، با تهدید مواجه ساخته است.

واژگان کلیدی: خسارت، مسوولیت، زیست محیطی، حقوق کیفری.

مقدمه

با توجه به تخریب بیش از حد طبیعت در چند دهه اخیر که اغلب ناشی از فعالیت‌های انسانی است، موضوع حفاظت از محیط زیست مورد توجه دولت‌ها و قانون‌گذاران قرار گرفته است. در این میان یکی از حمایت‌هایی که می‌توان از محیط زیست به عمل آورد بحث مسوولیت کیفری خسارت زیست محیطی در فقه و حقوق کیفری است که این خود می‌تواند این زمینه را برای حمایت از محیط زیست فراهم آورد. این نوع از حمایت دارای ماهیت پسینی می‌باشد به این معنا که پس از وقوع عمل مجرمانه‌ای که منجر به تخریب محیط زیست شده است، به تعقیب متخلف می‌پردازد. در حقوق داخلی ایران، مسئله حفاظت از محیط زیست، در عالی‌ترین سند حقوقی کشور یعنی قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است. به موجب اصل پنجاهم قانون اساسی «در جمهوری اسلامی حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می‌گردد از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا نماید ممنوع است در یک نگاه اجمالی، از جمله نتایجی که از این اصل قابل استنتاج است، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- ۱- تلاش جهت ایجاد زمینه‌های لازم برای افزایش سطح دانش زیست محیطی مردم.
 - ۲- تدوین قوانین و مقررات مورد نیاز جامعه (از جمله قوانین کیفری) در زمینه حفاظت از محیط زیست
 - ۳- حمایت از نهادهای مدنی حفاظت از محیط زیست و بسط و توسعه زمینه فعالیت آنان.
 - ۴- پیشگیری از تخریب محیط زیست، پیشگیری از وقوع جرائم زیست محیطی و ایجاد بسترهای لازم جهت حمایت از محیط زیست از طریق وضع قوانین کیفری، مدنی و اداری.
- همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این اصل، حفاظت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی تلقی شده و انجام هر گونه فعالیت مخرب و غیر قابل جبران نسبت به محیط زیست، ممنوع شده است. در کنار این وظیفه همگانی، در اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز به وظیفه خاص قوه قضاییه در جهت حفاظت و پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی اشاره شد است. به موجب این اصل، قوه قضاییه عهده دار انجام وظایف ذیل است:

- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات و...
 - احیای حقوق عامه...
 - کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.
 - انجام اقدامات مناسب، برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.
- از این اصل استنباط می‌گردد که وظیفه کشف جرم، تعقیب، مجازات و تعزیر مجرمین زیست محیطی نیز از وظایف قوه قضاییه می‌باشد. این وظیفه با ایجاد بسترهای لازم برای پیشگیری از وقوع جرم آغاز و با احیای حقوق عامه از طریق رسیدگی و صدور حکم و اصلاح مجرمین پایان می‌پذیرد.
- در کشور ما، هر چند قانونی به نام قانون مجازات متخلفان زیست محیطی وجود ندارد، اما در قوانین عادی موجود، مصادیق بسیاری از بحث حفاظت کیفری از محیط زیست، به شکل متفرق و پراکنده دیده می‌شود. از جمله این قوانین می‌توان به مواد ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، مواد ۵۱ و به بعد قانون حفاظت و بهره برداری

از جنگل‌ها و مراتع (مصوب، ۱۳۴۶)، قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۵)، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب، ۱۳۷۴)، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحی ۱۳۷۱) و... اشاره کرد.

- منابع حفاظت از محیط زیست در اسلام

شرع مقدس اسلام در قانون‌گذاری فعلی ایران نقش تعیین کننده دارد. برابر اصل چهارم قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات جزایی، مالی، اقتصادی، اداری و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلام باشد. از سوی دیگر برابر اصل ۷۲ همان قانون، مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد؛ بنابراین با توجه به دو اصل مذکور، اهمیت و جایگاه موازین شرعی در قانون‌گذاری کشور مشهود می‌گردد. بدیهی است با توجه به اصول مذکور، الزام به وضع و تصویب قوانین منطبق با موازین شرعی، شامل وضع و تصویب قوانین و مقررات زیست محیطی نیز می‌گردد. در شرع مقدس اسلام نسبت به مسئله حفاظت از محیط زیست توجه شده است به گونه‌ای که در کلام خداوند و همچنین روایات و احادیث متناسب به پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) توصیه‌هایی در این زمینه وجود دارد. در اینجا به پاره‌ای از این آیات و احادیث اشاره می‌شود:

۱- آیه ۶۱ سوره هود بیان می‌دارد: «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» یعنی خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت؛ به عبارت دیگر، در این آیه به طور ضمنی تخریب زمین و محیط زیست، ممنوع شده است.

۲- آیه ۴۹ سوره قمر بیان می‌دارد: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» یعنی ما همه چیز را به اندازه خلق کردیم، از این آیه مسئله حفظ تعادل محیط زیست و منع بهره برداری بیش از حد از طبیعت قابل استخراج است.

۳- خداوند در آیه ۳۰ سوره انبیاء می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» یعنی از آب همه چیز را زنده کردیم که دلالت بر نقش آب در زندگی و حیات موجودات زنده و لزوم حفاظت از منابع و ذخایر آبی دارد.

۴- در آیه ۱۶۴ سوره بقره آمده است «وَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» یعنی خداوند آب را نازل کرد و زمین مرده را به وسیله آب زنده کرد، این آیه حکایت از نقش آب (و حفاظت از آن) در حیات موجودات زنده دارد.

۵- در اهمیت نقش آب آیه ۹۹ سوره انعام می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ» یعنی خداوند آب را از آسمان فرستاد و به وسیله آن همه چیز را خلق کرد.^۱

۶- در آیه ۱۱ سوره بقره آمده است: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ» یعنی چون به آنان گویند در زمین فساد نکنید، می‌گویند ما اصلاح‌گریم. در واقع این آیه ما را به دوری از هر گونه فساد در زمین (از جمله تخریب محیط زیست) دعوت می‌نماید.

^۱ در زمینه اهمیت آب، آیه ۱۱ سوره انفال نیز قابل ذکر است.

۷- در آیه ۶۰ سوره بقره آمده است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» یعنی از روزی خدا بخورید و بیاشامید و تبهکارانه در زمین فتنه و آشوب (مانند تخریب طبیعت) بر پا نکنید.

۸- خداوند در آیه ۲۰۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ» یعنی هنگامی که (دشمن سرسختی) قدرت و حکومت یابد، می‌کوشد که در زمین فساد و تباهی به بار آورد و زراعت و نسل را نابود کند و خدا فساد و تباهی را دوست ندارد.

۹- بر اساس حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که ایشان فرمودند: از زمین محافظت کنید، به درستی که آن مادر شماست.

علاوه بر موارد فوق، فتاوی، اظهارات و تأکیدات دیگری نظیر منع آلوده کردن آب‌ها، منع اسراف بی رویه، منع آزار و اذیت حیوانات، لزوم حفاظت از درختان، جلوگیری از آلودگی هوا و... در متون اسلامی و نظرات عالمان دینی وجود دارد که تمامی آن‌ها حکایت از اهمیت حفاظت در اسلام دارند.

- فقه

در فقه اسلامی قواعد و اصول متعددی برای صیانت از محیط زیست وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان این‌گونه برشمرد: قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیب و قاعده تقویت.

قاعده لاضرر: در قاعده لاضرر نفی ضرر به صورت مطلق بیان شده است که شامل جمیع ضررهای فردی و اجتماعی است. فقها و اصولی‌ها در خصوص قاعده لاضرر مباحث متعددی را بیان کرده‌اند و به‌طور مبسوط بدان پرداخته‌اند. قاعده اتلاف: بر اساس قاعده من اتلف مال الغير فهو له ضامن، هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است پاره‌ای از فقها در اعتبار این قاعده گفته‌اند: اثبات اینکه اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد (مرآغه‌ای، ج ۲، ص ۴۳۴)

قاعده تسبیب: در کنار قاعده اتلاف معمولاً از قاعده تسبیب و اتلاف غیرمستقیم مال دیگری، هم سخن گفته شده و از آن تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. برخی فقها در خصوص اینکه این قاعده مستقل از قاعده اتلاف است یا خیر مباحثی را مطرح نموده‌اند، لیکن اصل این موضوع که هر شخصی به‌طور غیرمستقیم موجبات ضمان و خسارت بر دیگران را فراهم آورده باشد، قابل تردید نیست بنابراین دلالت قاعده بر ضمان مورد پذیرش قرار گرفته است.

^۱ به عنوان نمونه آیت الله امامی کاشانی در یکی از خطبه‌های نماز جمعه تهران (سال ۱۳۹۰) حرمت آلودگی هوا را چنین بیان می‌دارد: «ضرر زدن به مسلمین حرام است و نیت اضرار هم به روح انسان آلودگی می‌دهد حتی اگر اضرار عملی نشده باشد... می‌بینیم که موتورها و ماشین‌ها بدون داشتن استاندارد لازم، مدام گاز می‌دهند، دود می‌کنند و فضا را آلوده می‌سازند و به همین خاطر چقدر مردم مریض می‌شوند یا به آن‌ها ضرر می‌رسد که بدون شک همه این‌ها اضرار محسوب می‌شود و حرام است. کسانی که وسایط نقلیه‌شان خوب است ولی تک‌سرنشین حرکت می‌کنند و از وسایط نقلیه عمومی استفاده می‌کنند نیز فضا را به شکل دیگری خراب می‌کنند و این‌ها هم مصداق گناه است... اگر گناه طوری باشد که سلامت جامعه و جان مردم را به خطر بیندازد، گناه کبیره است... اگر انسان کاری کند که جان فرد یا افرادی به خطر بیفتند، این امر مصداق مسئله دماء و خون است؛ چنانچه در مورد همین آلودگی می‌بینیم که افرادی بر اثر این هوا سرطان گرفته‌اند و افرادی فوت می‌کنند... در کشور ما گاهی وضع هوا این‌طور می‌شود و البته دولت و نظام هم وظایفی در قبال این مسئله دارند و باید در مواردی که می‌شود جلوی مشکل را گرفت، به هر نحو ممکن باید وظیفه خود را انجام دهند، ولی همکاری ملت نیز بسیار اهمیت دارد. متأسفانه برخی افراد اصلاً ملاحظه نمی‌کنند و بد رانندگی می‌کنند که این امر اصلاً با اخلاق زندگی همخوانی ندارد. ممکن است گفته شود که هزاران وسیله نقلیه در آلودگی سهم هستند و تنها وسیله نقلیه ما کاری نمی‌کند، ولی باید دانست که زیاد بودن وسیله و کثرت وسایل، گناه را از روی دوش تک افراد بر نمی‌دارد و همه در این گناه شریک هستند».

قاعده تفویت: تفویت ناظر به صورتی است که شخص بدون وضعیت ناروا بر مال دیگری، جلوی تحقق منفعت را بگیرد، البته برخی فقها نیز با آن به عنوان قاعده‌ای مستقل به مخالفت پرداخته‌اند (خویی، صص ۱۷۱، ۱۷۲).

- حقوق ایران

حقوق محیط زیست، هرچند امروزه در شمار حقوق اساسی و بنیادین بشر به شمار می‌رود، اما در کشور ما موضوع مبانی مسئولیت مدنی زیست محیطی به طور جدی مورد مطالعه و کاوش قرار نگرفته است. موضوع حقوق مسئولیت مدنی محیط زیست در کشور ما فقیر و دچار ضعف شدید نظری است. در حقوق ایران به مباحث ماهوی و نظری این حوزه به طور اساسی پرداخته نشده است. نخستین قانون در حوزه محیط زیست به قانون شکار موسوم است که در سال ۱۳۳۵ مصوب شده است و متعاقب آن قانون صید و شکار در سال ۱۳۴۶ به تصویب رسید.

- مهم‌ترین قوانین زیست محیطی بدین شرح است:

- قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۳ و اصلاحیه بعدی آن مصوب ۱۳۴۵ که بر اساس بند ۲۰ ماده ۵۵ آن اماکن و فعالیت‌هایی که ایجاد مزاحمت برای مردم داشته و مخالف اصول بهداشتی بودند، قانون مزبور شهرداری‌ها را موظف به پلمپ و جلوگیری از فعالیت آنان نموده است؛

- قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی (مصوب ۲۹ تیر ۱۳۴۶)؛

- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۳) که در سال ۱۳۷۱ اصلاح گردید. این قانون مبنای شکل‌گیری سازمان محیط زیست فعلی بوده است که صیانت از محیط زیست به عنوان اصلی‌ترین وظیفه به آن سازمان واگذار گردیده است؛

- قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی نفتی (مصوب ۱۴ بهمن ۱۳۵۴)؛

- قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۶۱ که در ماده یک آن به آلودگی آب پرداخته است؛

- قانون معادن مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۶۱؛

- قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان (مصوب ۳۱ فروردین ۱۳۷۲)؛

- آیین‌نامه جلوگیری از آلودگی آب (۱۸ اردیبهشت ۱۳۷۳)؛

- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۳ اردیبهشت ۱۳۷۴)؛

- قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران (۴ شهریور ۱۳۷۴)؛

- قانون مجازات اسلامی و قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده (مصوب ۱۳۹۲) که در مواد ۹۲۰ و ۹۲۱ آن به مسئولیت مدنی و کیفری آلوده‌کنندگان و تخریب‌گران محیط زیست پرداخته است.

مفهوم آلودگی زیست محیطی در حقوق ایران

در حقوق ایران، ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ (و اصلاحیه ۱۳۷۱) آلودگی محیط زیست را چنین تعریف کرده است: منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا، خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا بیولوژیکی آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد. همین تعریف با اندک تغییر در تبصره ۲ ماده

۹۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ آورده شده است در آن ماده مقرر شده است که: منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد.

نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران مبتنی بر مسئولیت قراردادی و ضمان قهری است. زیان دیده در طرح دعوای مسئولیت مدنی می‌تواند جبران خسارت را مبتنی بر هریک از دو نوع مسئولیت مطالبه کند. این اختیار برای زیان دیده فواید متعددی می‌تواند داشته باشد، مثلاً خسارت مورد مطالبه در تخلف از انجام تعهد قراردادی بر اساس حاکمیت اراده، محدود به زیان‌های قابل پیش‌بینی یا تعیین شده به وسیله طرفین به هنگام تشکیل قرارداد است (شهبیدی، ص ۵۴). در حالی که خسارت ناشی از ضمان قهری بدون قرارداد ممکن است بیشتر باشد. در این صورت نفع زیان دیده اقتضا دارد که مبادرت به طرح دعوای ضمان قهری نماید.

از دیگر آثار نوع مبنای طرح دعوای مسئولیت مدنی، انتخاب بر اساس صلاحیت دادگاه متناسب با م ۱۱ ق.ا.د.م است. در صورتی که مبنا را مسئولیت قراردادی قرار دهیم. طرح دعوا در محل انعقاد عقد عمدتاً صورت می‌پذیرد و در صورت اتخاذ مبنای ضمان قهری، زیان دیده می‌تواند در غیر محل وقوع تعهد هم طرح دعوی کند. از این رو انتخاب هریک از دو مبنا می‌تواند آثار حقوقی متنوعی را پدید آورد. دکتر کاتوزیان بر این باور است که اصولاً مانعی برای انتخاب هریک از دو مبنا وجود ندارد، هرچند زیان دیده می‌تواند از تضمیناتی که قانون برای جلوگیری از اضرار به غیر اندیشیده است، استفاده کند و به نوعی هر دو مبنا دارای منشأ قانونی است (کاتوزیان، ص ۱۳۵). مستنبط از بیان دکتر شهبیدی از کتاب آثار قراردادهای و تعهدات، چنین بر می‌آید که ایشان با جمع این دو مسئولیت برای زیان دیده موافق نبوده و هریک از دو موضوع را دارای تفاوت در خصائص می‌دانند (شهبیدی، ص ۲۰۱). یکی از دیگر از اساتید برجسته حقوق در این خصوص اظهار داشته‌اند که اصل بر عدم انتخاب یکی از دو مسئولیت است، مگر تخلف از تعهدی که عقد و قانون هر دو آن را پدید آورده‌اند (السنهوری، ص ۷۶۱). وی در ادامه بیان می‌کند که برای ضرر واحد، مجوزی برای مطالبه خسارت دوباره وجود ندارد (همان، ص ۷۵۷).

جمع بین دو مسئولیت، در آیین دادرسی نیز دارای ثمره عملی است که مهم‌ترین ثمره عملی آن بر هم زدن قاعده مهم اعتبار امر مختومه است، به طور مثال اگر فردی با اقامه دعوی بر اساس مسئولیت قهری محکوم بی حقی گردد و دوباره همان دعوا را بر اساس مسئولیت قراردادی طرح نماید، عملاً یکی از قواعد آیین دادرسی مدنی به چالش کشیده شده و زمینه برای سوء استفاده و تزلزل در آراء قضایی و نوعی به هم ریختگی و هرج و مرج قضایی پدید می‌آید. مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های زیست‌محیطی نیز از عموماً قواعد آیین دادرسی مدنی مستثنی نیست. آلوده کنندگان محیط زیست به طور کلی دارای مسئولیت مدنی می‌باشند. آلودگی‌های وارد بر محیط‌زیست دارای تنوع و گستردگی فراوان هستند. بر اساس ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی، محیط زیست مصوب خرداد ماه ۱۳۵۳ و اصلاحیه آبان ماه ۱۳۷۱، آلودگی محیط زیست عبارت است از: پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب و هوا، خاک و یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی و یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آوری به حالی انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. آلودگی محیط زیست شامل طیف وسیعی از آلودگی‌های

هوا، آب، فضا و صوت، نفتی، رادیو اکتیو و هسته‌ای و به طور کلی آسیب و صدمات وارد بر مظاهر محیط زیست می‌شود.

- منابع حقوق محیط زیست

مقصود از منابع حقوقی محیط زیست، اعم از منابع داخلی و منابع بین‌المللی است. ابتدا منابع داخلی و سپس منابع بین‌المللی را بیان می‌کنیم. حقوق محیط زیست به عنوان یک رشته نسبتاً جدید، به طور وسیعی در متون نوشته به چشم می‌خورد گرچه برخی از اصول کامن‌لا با این رشته مرتبط بوده و حقوق بین‌المللی عرفی نیز در حل پیدایش است. حکومت‌ها بر اساس اقتدارات متعددی که در قوانین اساسی و عادی دارند با حمایت از محیط زیست، رفاه عمومی را ترویج کرده، بازرگانی را قاعده‌مند نمود و زمین‌های عمومی، هوا و آب را مدیریت می‌کنند. مقامات ملی ممکن است با الحاق به کنوانسیون‌های دو یا چند جانبه حاوی تعهدات خاص، تکالیف بیشتری را برای حمایت از محیط زیست متقبل شوند.

تنظیم و اعلام عمومی مقررات و مجوزها توسط مقامات اداری نیز اداری نیز از مهم‌ترین منابع حقوق محیط زیست به شمار می‌رود. گزارش دهی، نظارت و طرح دعاوی مدنی و کیفری برای اجرای حقوق محیط زیست از اجزای مهم و تعیین‌کننده نظام‌های حقوقی زیست محیطی هستند. برخی از قوانین اساسی به حقوق و تکالیف زیست محیطی اشاره کرده‌اند که این مقررات قانون اساسی و تفسیر و اعمال آن‌ها هم منبع احتمالی مهم دیگری برای حقوق محیط زیست محیطی است. اگر در قانون اساسی، حقی نسبت به یک استاندارد زیست محیطی خاص پیش‌بینی شده باشد، این مقرر باید تفسیر و اعمال شود. در صورت نقض این حق، مسائلی در مورد جبران‌های مناسب مطرح می‌گردد که معمولاً قوانین اساسی به آن می‌پردازند. مقررات قانونی در کنار تعریف وظایف نهادهای قانونی، ممکن است به افراد اجازه دهند تا علیه اداره‌ای که از اختیارات خود سوء استفاده کرده یا از انجام مأموریتش خودداری می‌کند، شکایت کنند. در برخی شرایط نیز این امکان وجود دارد که به افراد اجازه شکایت مستقیم از خود آلوده‌کنندگان اعطا شود.

منابع داخلی

دو اصل مهم قانون اساسی به صیانت از حقوق محیط‌زیست تصریح کرده‌اند. این دو اصل با توجه به نگاه فقهی به انسان، طبیعت و پدید آورنده‌اند و یعنی خالق هستی تدوین شده‌اند. در این دو اصل علاوه بر حیات مادی به حیات معنوی و رشد انسان‌ها در پرتو بهره‌برداری مطلوب از محیط زیست توجه شده است.

بهره‌برداری از محیط زیست متناسب با مصالح عمومی از ویژگی‌های دو اصل پنجاهم و چهل و پنجم قانون اساسی ایران است. علاوه بر قانون اساسی، قوانین عادی، رویه قضایی، نظرات اساتید حقوق و فتاوی معتبر فقهی از منابع حقوق ایران به شمار می‌روند. در قوانین عادی نیز حمایت حفاظت و جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است.

قوانین موضوعه

اهم این قوانین عبارت‌اند از:

۱. اصل پنجاهم و چهل و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب همه پرسی مورخ ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸):
۲. قانون ممنوعیت ایجاد تأسیسات و کارگاه‌های منافی بهداشت و آسایش در شهرها و حومه آن‌ها (تبصره ۳۰ قانون بودجه ۱۳۲۸ کشور):
۳. ماده ۵۵ قانون شهرداری (مصوب ۱۳۳۴ با اصلاحات بعدی):
۴. قانون حفظ نباتات (مصوب ۱۳۴۶/۲/۱۸):
۵. قانون شکار و صید (مصوب ۱۳۴۳/۳/۱۶، با اصلاحات مصوب ۱۳۵۳/۱۰/۳۰ و ۱۳۷۵/۹/۲۵):
۶. قانون تجدید تشکیلات و تعیین وظایف سازمان‌های وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و انحلال وزارت منابع طبیعی (مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۱۲):
۷. قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح (مصوب ۱۳۵۰/۱۱/۲۶):
۸. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸) و اصلاحیه (۱۳۷۱/۸/۲۴):
۹. قانون اصلاح فصل پنجم و پاره‌ای از مواد قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌های و مراتع (مصوب ۱۳۵۴/۳/۱۴):
۱۰. قانون اراضی مستحدث و ساحلی (مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ مجلس شورای ملی)
۱۱. قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی (مصوب ۱۳۵۴/۱۱/۱۴)
۱۲. لایحه قانونی مجازات صید غیرمجاز از دریای خزر و خلیج فارس (مصوب ۱۳۵۸/۵/۴ شورای انقلاب اسلامی):
۱۳. لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها (مصوب ۱۳۵۹/۳/۳):
۱۴. لایحه قانونی لغو محدودیت ایجاد کارخانجات و صنایع در داخل شعاع ۵۰ کیلومتری اصفهان (مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۳):
۱۵. قانون اجازه تکسیدرمی جانوران برای اشخاص حقیقی و حقوقی در قبال دریافت حق الزحمه (مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۳):
۱۶. قانون اجازه دریافت وجه در مقابل ارائه خدمات آزمایشگاهی و حق الزحمه کارشناسی (مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۳):
۱۷. قانون توزیع عادلانه آب (مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶):
۱۸. قانون اجازه صدور جواز حمل سلاح توسط ژاندارمری (مصوب ۱۳۶۳/۲/۱۶)
۱۹. ماده ۷ قانون نفت (مصوب ۱۳۶۶/۷/۹):
۲۰. ماده ۱۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۶۶/۲/۳):
۲۱. قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی مو وضع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگل‌ها و مراتع (مصوب ۱۳۶۷/۶/۲۲):
۲۲. قانون اخذ ورودی از بازدیدکنندگان پارک‌ها و موزه‌های تاریخ طبیعی (مصوب ۱۳۶۷/۸/۸):
۲۳. قانون حفاظت در برابر اشعه (مصوب ۱۳۶۸/۱/۲۱):
۲۴. قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب (مصوب ۱۳۶۹/۱۰/۱۱):
۲۵. قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن (مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۲۱):

۲۶. قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور (مصوب ۱۳۷۱/۷/۵ مجلس شورای اسلامی)؛
۲۷. تبصره ۲ قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راه‌سازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آن‌ها (مصوب ۱۳۷۱/۱۰/۲)؛
۲۸. آیین‌نامه‌های اجرائی موضوع تبصره‌های ۱، ۱۲، ۸، ۱۶، ۱۳ قانون چگونگی محاسبه وصول حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راه‌سازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آن‌ها (مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۸)؛
۲۹. قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان (مصوب ۱۳۷۲/۱/۳۱)؛
- ۳۰.
۳۱. تبصره‌های ۸۱، ۸۲، ۸۳ از قانون برنامه پنج‌ساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰)؛
۳۲. قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری (مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸)؛
۳۳. ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۸)؛
۳۴. قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (مصوب ۱۳۷۴/۲/۳)؛
۳۵. قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها (مصوب ۱۳۷۴/۳/۳۱ مجلس شورای اسلامی)؛
۳۶. قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴ مجلس شورای اسلامی)؛
۳۷. قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب روستایی (مصوب ۱۳۷۴/۹/۱۲)؛
۳۸. قانون اصلاح بند (۲) ماده (۱) قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (مصوب ۱۳۷۵/۱۰/۵)؛
۳۹. ماده ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۶ قانون جدید مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)؛
۴۰. قانون معادن (مصوب ۱۳۷۷/۲/۲۷)؛
۴۱. قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷)؛
۴۲. قانون اصلاح قانون ایمنی راه‌ها و راه آهن (مصوب ۱۳۷۹/۲/۱۱)؛
- و بخش مربوط به محیط زیست در قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ که در ادامه نیز به برخی از این قوانین پرداخته‌ایم.

- حقوق ملی

- طیف موضوعاتی که به‌طور بالقوه به مسائل زیست‌محیطی مربوط می‌شوند به حدی وسیع است که تقریباً تمامی زمینه‌های مقررات‌گذاری حقوقی را در برمی‌گیرد. برای مثال:
- قوانین مربوط به حفاظت از اموال باستانی ممکن است غارت و کاوش غیر مجاز در مناطق حفاظت شده دارای اهمیت باستانی و طبیعی را ممنوع سازند.

- مقررات مربوط به فعالیت‌های کشاورزی ممکن است مقرراتی را در مورد کمیت و کیفیت استفاده از آب و همچنین محدودیت استفاده از سموم و کودها وضع کنند.
- قوانین مربوط به بهداشت عمومی می‌توانند سم‌پاشی برای از بین بردن ناقل‌های بیماری‌زا را مقررات گذاری کرده و نکاتی را در مورد ایمنی واکسن‌ها مطرح کنند.
- مقررات مربوط به نحوه استفاده از زمین و دکترین‌های امانت عمومی می‌توانند برای حفاظت زیست‌محیطی مورد استفاده قرار گیرند.
- قوانین مربوط به مدیریت مناطق ساحلی، ماهیگیری و جنگل‌داری به دنبال حفاظت از منابع مربوطه هستند.
- قوانین مربوط به معدن‌کاوی و انرژی ممکن است انتشار گازهای گلخانه‌ای و دیگر آلاینده‌های هوا را قاعده‌مند سازند.
- مقررات مربوط به فعالیت‌های صنعتی ممکن است محدودیت‌هایی برای انتشار آلاینده‌ها و پسماندهای ناشی از فعالیت‌های صنعتی برقرار نمایند.

در نگاه اول، برخی از قضایای زیست‌محیطی به مثابه شکایت‌هایی به نظر می‌رسند که درصدد حمایت از مشتریان در برابر تولیدکنندگان یا فروشندگان محصولات خطرناک هستند. قضایای دیگر به تلاش‌ها برای دستیابی به اطلاعات راجع به شرایط زیست‌محیطی و یا دعاوی مطروحه علیه کارگزاران حکومتی و سازمان‌های مربوط می‌شوند.

- مبانی و اصول مسئولیت مدنی زیست‌محیطی

اصول و مبانی مسئولیت زیست‌محیطی که بر اساس آن‌ها آلوده‌کنندگان محیط‌زیست باید جبران خسارت نمایند چیست؟ در پاسخ به پرسش مزبور و اصول متنوعی بیان گردیده است که در ذیل از دیدگاه حقوق ایران، اجلاس‌های بین‌المللی و فقه مورد کاوش قرار گرفته است.

- اول: حقوق ایران

در حقوق ایران برای مسئولیت از جمله مسئولیت مدنی مبانی مختلفی ذکر شده است. مبانی مسئولیت ناظر به یکی از مباحث مهم نظری این شاخه حقوق است که درصدد بیان توجیه قاعده حقوق لزوم جبران خسارت زیان دیده است. با این توضیح که وقتی اساس مسئولیت را به عنوان یک قاعده معرفی کرده و می‌گوئیم (وارد کننده زیان متعهد به پرداخت خسارت است) این پرسش مطرح می‌شود که دلیل مشروعیت این قاعده چیست؟ چرا وی مکلف به پرداخت خسارت است؟ چرا زیان دیده حق دریافت خسارت دارد و می‌تواند وارد کننده زیان را به پرداخت خسارت الزام کند؟ پاسخ به این سؤال‌ها به دلیل مشروعیت مسئولیت مدنی بازگشته و از آن به مبانی مسئولیت مدنی یاد می‌شود. شناخت مبانی مسئولیت ریشه در اموری دارد که برآیند آن‌ها خود را به عنوان پایه مسئولیت مدنی نشان می‌دهد. با شناخت مبانی مسئولیت حقوق‌دانان تلاش می‌کنند ساختار نظام‌مندی از ارکان و شرایط و قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی ترسیم کنند و با عنایت به مبنا، احکام موضوعات را بیابند. حقوق و قواعد حقوقی در بستری از نیازها و ضرورت‌ها و دانش‌های موجود، عرف، سنت، تنوع و تعدد روابط اجتماعی شکل گرفته، تکامل و توسعه و

عمق یافته است. این شکل‌گیری ساختار و تکامل در نظام‌های حقوقی یکسان نیست به همین سبب تأثیر طرح و پذیرش مبانی نیز در آن‌ها یکسان نبوده است. با توجه به تعریف مبانی مسئولیت مدنی ذیلاً به مبانی آن می‌پردازیم.

۱. نظریه تقصیر

در زبان فارسی و عربی مهم‌ترین معنی لغوی تقصیر کوتاه کردن و سستی کردن در انجام کاری است (دهخدا، ۱۳۴۳: ص ۸۴۲ ف ابن منظور، ۱۱۳) معادل انگلیسی (Fault)، (Failue) تقصیر است که غالباً با سرزنش یا خطا بیان می‌گردد؛ بنابراین رفتار تقصیر آمیز رفتاری است که قابل سرزنش و یا ناصواب است. البته کلماتی نظیر (Negligence)، (Recklessness) هم آمده است که بیشتر ناظر به بی احتیاطی است و در حقوق کامن لای بی احتیاطی با تقصیر تفاوت دارد (A Dictionary of;aw, Black's law dictionary, v. I.prosser, p148) واقعیت آن است که مبانی حقوقی و اخلاقی با یکدیگر ارتباط دارند و ریشه قواعد حقوقی را می‌توان در بنیان‌های اخلاقی نیز جستجو کرد. مفاهیمی چون حسن و قبح، بدی و خوبی مفاهیم بنیادی اخلاقی هستند.

همواره ردایل و اعمال قبیح قابل سرزنش شناخته شده‌اند و عمل قابل سرزنش عملی است که نسبت به معیار مورد پذیرش انحراف پیدا کرده است. در واقع رفتار قابل سرزنش، همان تقصیر است که در حقوق، آن را نوعی تخلف از ضوابط یا نقض تعهدات و الزامات می‌دانند. صرف نظر از نقش تقصیر به عنوان ضابطه‌ای اساسی در مسئولیت باید توجه داشت که درک مفهوم تقصیر به عنوان ضابطه‌ای اساسی در مسئولیت، باید توجه داشت که درک مفهوم تقصیر به طور یکسان اتفاق نمی‌افتد. برخی تقصیر را با ملاک شخصی^۱ و ذهنی درک می‌کنند و گروهی دیگر این ضابطه را با معیارهای نوعی^۲ و عینی قابل ادراک است می‌دانند. تفاوت بین این دو ملاک در بسیاری از مباحث حقوقی منشأ تفاوت در احکام و آثار مسائل حقوقی شده است (سنهوردی، ص ۷۹۶). مقصود از تقصیر با ملاک شخصی و ذهنی آن است که در اینجا مفهوم و مصداق تقصیر، وضع شخص مقصر اهمیت دارد؛ بنابراین عنوان تقصیر از طریق عنوان مقصر احراز می‌گردد. مقصر کسی است که از نظر ویژگی‌های شخصی و ادراکی بتواند مرتکب تقصیر شود، ضوابط خروج از آن‌ها را بتواند درک کند و الآن می‌توان گفت که چنین شخصی تفسیر کرده است به طور مثال بر اساس این دیدگاه مجنون نمی‌تواند مرتکب تقصیر شود. در مقابل ممکن است تقصیر با ملاک نوعی و عینی درک شود. مقصود از این ملاک آن است که تقصیر صرف نظر از مقصر، یک رفتار نوعی است که در خروج از آن معیارها و عرف متعارف مبنا است. در واقع در این نظر به تقصیر بیش از مقصر توجه می‌شود. اگر عینیت یک رفتار بدون آنکه در حالات فاعل آن جستجو شود مورد توجه قرار گیرد و آن رفتار، رفتاری بیرون از ضوابط نوعی باشد باید آن را تقصیر دانست. بر اساس این دیدگاه اگر مجنون به دیگری خسارت وارد کند می‌تواند مقصر و مسئول تلقی شود. بر اساس همین دو تلقی در تفسیر ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی اختلاف نظر وجود دارد و برخی در مورد مجنون و غیر ممیزان را تنها به خسارت مباشرتی و ناشی از اتلاف منحصر می‌کنند (صفایی، ص ۶۶ و شایگان، ص ۱۷۲ و امامی، ج ۱). به نظر می‌رسد میل به ملاک نوعی با قواعد مطابقت بیشتری دارد در حقوق

¹ jmputable

² subjective

³ objective

مسئولیت مدنی موضوع و هدف اصلی جبران زیان دیده است نه مجازات فاعل زیان، بنابراین بایستی ملاک نوعی و عینی را ترجیح داد.

البته باید توجه داشت که در مواردی غیر از ناتوانایی ذهنی و ادراکی (حجر) مانند ناتوانایی‌های جسمی و شغلی، معیار نوعی با توجه به شرایط خاص مورد توجه قرار می‌گیرد، به طور مثال در تحلیل و رفتار ناتوان جسمی با یک مهندس یا پزشک شرایط خاص فرد اهمیت دارد (ژوردن، ص ۵۸). ماده ۹۵۳ قانون مدنی در تعریف تقصیر آورده است که: «تقصیر اعم است از تعدی و تفریط». در مواد ۹۵۱ و ۹۵۲ قانون مدنی نیز: تعدی را تجاوز نمودن از حدود اذن و متعارف نسبت به حق دیگری دانسته‌اند و تفریط را عبارت از ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است بیان کرده است. می‌توان درباره تقصیر چنین گفت: تقصیر اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آن‌ها، از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی است.

۱-۱- انواع تقصیر

تقصیر از جهات مختلفی قابل تقسیم است که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

الف) تقصیر عام و خاص

این تقسیم به نوع ضابطه و تعهدی که نسبت به آن نقض صورت می‌گیرد ارتباط دارد. برخی از تکالیف عمومی و کلی است، به طور مثال هرکس موظف است به طور متعارف رفتار کند یا به عبارتی، تعدی و تفریط نکند. امین، وکیل و مستأجر تعهدات عمومی بر عهده دارند. نقض چنین تعهداتی، تقصیر عام و عمومی تلقی می‌شود. احراز تقصیر عام نیازمند تفسیر و ارزیابی است و احراز آن نسبت به تقصیر خاص دشوارتر است (همان، ص ۵۸ و ۵۹)؛ اما در مواردی که نقض یک تعهد صورت می‌گیرد و تقصیر خاص واقع می‌شود احراز تقصیر شفاف‌تر و روشن‌تر است. به طور مثال رعایت چراغ قرمز یک تعهد خاص است و چنان چه کسی از آن عبور کند وجود تقصیر بدیهی است.

ب- تقصیر مثبت و منفی

مقصود از تقصیر مثبت انجام یک فعل است. به طور مثال قرار دادن یک مانع در محل غیر مجاز از مصادیق تقصیر مثبت است؛ اما منظور از تقصیر منفی، ترک فعل است. آیا ترک فعل می‌تواند از مصادیق تقصیر باشد؟ دلیل این تردید آن است که ترک فعل به معنای عدم است و عدم نمی‌تواند مبنای مسئولیت باشد؛ اما باید توجه داشت که ترک فعل در برخی موارد عرفاً از مصادیق تقصیر تلقی می‌شود. در مواردی که انجام تکلیف عمومی با تعهد خاص بر عهده کسی قرار دارد، ترک فعل یا عدم انجام آن تکلیف و تعهد، مصداق تقصیر یا سوء استفاده از حق^۲ می‌شود (John bell & others, principles of French law, p 365). به طور مثال ترک انفاق، ترک ثبت واقعه ازدواج و طلاق، ترک کمک به مصدومان از جمله مصادیق تقصیر است.

¹.omission

².Abuse of right

ج- تقصیر عمدی و غیر عمدی

تقصیر در مبنای کلی عمدی و غیر عمدی را در بر می‌گیرد. منظور از تقصیر عمدیان است که با مسئولیت اضرار توأم است؛ اما در تقصیر غیر عمدی، تقصیر ناشی از اشتباه و قصور است. ممکن است در برخی موارد وجود عمد، جبران کامل و بدون تخفیف را در پی داشته باشد، اما در تقصیر غیر عمدی برخی از امتیازات مورد توجه قرار می‌گیرد به طور مثال در برخی از نظرات حقوقی، فاعل زیان تنها در حد ضرر قابل پیش بینی^۱ مسئولیت دارد اما اگر تقصیر وی عمدی باشد مسئولیت او بیش از قابلیت پیش‌بینی و در حد ضرر واقعی خواهد بود (Ibid, p. 336,350). به طور مثال بیمه برای خسارت عمدی تعهدی نمی‌کند (کاتوزیان، ص ۱۹۴).

د- تقصیر سبک و سنگین

بنابر برخی نظرات حقوقی، تقصیر قابل درجه‌بندی است و می‌توان آن را به سبک^۲ و سنگین^۳ تقسیم نمود. مقصود از تقصیر سبک و معمولی، تقصیر غیر عمد و متعارف است. تقصیری که انسان‌های معمولی آن را انجام می‌دهند سبک تلقی می‌گردد؛ اما اگر انسان‌های معمولی تقصیر خاص را انجام نمی‌دهند یا در مواردی احتمال ورود خسارت زیاد است یا مقدار احتمالی خسارت زیاد است یا حرفه و شغل شخص ف حساس است تعدی و تفریط کوچک، خسارت به بار می‌آورد، تقصیر سنگینی تلقی می‌شود. تفاوت مهم تقصیر سبک و سنگین آن است که تقصیر سنگین در حکم تقصیر عمدی است (ژوردن، ص ۷۳. برای ملاحظه نظرات مختلف در تقصیر سنگین مراجعه کنید به سید حسین صغایی، تقصیر سنگین، مجله حقوقی، دانشگاه تهران، ش ۴). لذا چنانچه تقصیر پزشک را سنگین ارزیابی کنیم برائت قبلی پزشک توسط زیان دیده، قابل استناد نیست، زیرا هیچ عمل حقوقی با قصد اضرار قابل توجیه نمی‌باشد. از سوی دیگر در بند ۲ ماده ۴ قانون مسئولیت مدنی به دادگاه اجازه داده است تا در صورتی که وقوع خسارت ناشی از غفلت قابل اغماض بوده باشد و جبران موجب تنگ دستی فاعل زیان باشد در میزان خسارت تخفیف بدهد.

۱-۲- صور خاص تقصیر

الف- تقصیر در اجرای حق

پیش از سده اخیر بسیاری از نویسندگان اروپایی تصور می‌کردند که حق داشتن با تقصیر جمع نمی‌شود به این معنا که اگر کسی حق خود را اعمال کند هر چند در راه اجرای آن به دیگری خسارت زند، خطا کار و مسئول به حساب نمی‌آید. ولی از آغاز قرن بیستم، دیدگاه‌های درباره مفهوم حق رفته رفته تغییر کرد و گزاره‌ای پدید آمد که هیچ حقی مطلق نیست و هیچ‌کس نمی‌تواند وجود حقی را وسیله ضرر زدن به دیگری قرار دهد (کاتوزیان، ص ۷۲).

در حقوق ایران از ابتدا سوء استفاده از حق ممنوع بوده است. در تاریخ حقوق اسلامی «اصل لاضرر» نشان می‌دهد که در ایران نظام حقوقی، صاحب حق هیچ‌گاه در اضرار به دیگران آزاد نبوده و رعایت قاعده لاضرر، مانع از این می‌شده که صاحب حق و مالک بتواند بدون توجه به حقوق دیگران، تصرفاتی در مال خود بکند. به موجب ماده ۱۳۲

¹ foreseeability

² slight

³ Gross

قانون مدنی: «هیچ‌کس نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که به ضرر همسایه باشد، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت و دفع ضرر از خود باشد. بر اساس این ماده اگر کسی از حدود متعارف، یا رفتار انسان متعارف تجاوز کند یا در مقام اضرار از خود باشد، از چنین تصرفی در ملک خود ممنوع است. به موجب ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی که بعد از سال ۱۳۶۱ اصلاح گردید، مقرر شده بود که اگر نامزدی بدون علت موجه نامزدی را به هم بزند، باید خسارت ناشی از آن را جبران کند. به این ترتیب، هیچ نامزدی حق نداشت از حق خود سوء استفاده کند. این ماده در اصلاحات سال ۱۳۶۱ حذف شد ولیکن حذف آن به مبنای جلوگیری از سوء استفاده از حق نبود تنها مصدافی از تقصیر در اجرای حق را حذف کرده است. در اصل ۴۰ قانون اساسی نیز چنین آمده است: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد»؛ بنابراین در حقوق ایران نیز شخص در مقام اجرای حق خود نباید مرتکب تقصیر شود وگرنه مسئول است.

ب- تقصیر در خودداری از انجام دادن کار

در مورد کارهایی که شخص انجام داده است اگر از حدود متعارف و احتیاط خارج باشد، به آسانی نمی‌توان او را مقصر و مسئول شناخت ولی نسبت به کارهایی که شخص انجام نداده است، در صورتی باید او را خطاکار دانست که ثابت شود موظف به انجام آن‌ها بوده و در این باره به تعهد خود وفا نکرده است پس در این‌گونه تقصیرها وجود تعهد قبلی از ارکان ضروری خطا است و باید دید چه عواملی این تعهد را به وجود می‌آورند:

- تعهدی که ناشی از قرارداد است مانند تعهد به نگهداری مال یا تعهد پزشک به مداوای بیمار، عدم مواظبت مستأجران مراتع نسبت به زمین‌های واگذار شده توسط وزارت جهاد و منابع طبیعی؛
- در موردی که انجام کار در زمره تکالیف قانونی فرد بوده است مانند استفاده از وسایل ایمنی در جاده‌های کوهستانی و یا حضانت از کودک؛
- در موردی که خودداری از انجام کار مستلزم بی‌احتیاطی است مانند عدم نصب تابلوهای حفاری یا مسیره‌های راه‌آهن؛
- انجام ندادن تکالیف عرفی.

ج- تقصیر شغلی و حرفه‌ای

مقصود از تقصیر، خطایی است که صاحبان مشاغل در اجرای کاری که در حرفه آنان است مرتکب می‌شوند، مانند خطای پزشک در معالجه و جراحی. در این‌گونه تقصیرها مهم‌ترین سؤال این است که آیا تقصیر ناشی از قرارداد است یا قانون؟ اشکال از آنجا ناشی می‌شود که به حکم قانون نیز پزشک موظف به رعایت نظام شغلی خویش است. پس اگر تخلف کند، این تردید حادث می‌شود که آیا مفاد قرارداد خود با مشتری را نادیده گرفته یا حکم قانون را؟ اگر استناد به قانون تعادل و نظم را که طرفین در قرارداد خود داشته‌اند بر هم نزنند، زیان دیده مختار است که به قرارداد یا قانون استناد کند ولی به طور کلی می‌توان اظهار داشت که تقصیر مبنای مسئولیت وی به شمار می‌رود.

د- تعهد به وسیله و نتیجه در مشاغل

در تقصیرهای شغلی آیا مفاد التزامی که به عهده گرفته شده تعهد به نتیجه است یا تعهد به وسیله؟ پزشکی که تعهد

به معالجه بیماری می‌کند و اطرافیان بیمار نیز به اعتماد به این تعهد پیمانی را در این باره امضا می‌کنند ولی درمان مؤثر واقع نمی‌شود و بیمار فوت می‌کند. برای تشخیص مسئولیت باید دید که پیمان آن‌ها مبنی بر قطعی بود نتیجه برای بهبود و سلامت بیمار بوده است یا اینکه تعهد برای استفاده از همه دانش و مهارت خود بوده است. در صورت نخست وی مقصر است و در صورت دوم زمانی مقصر است که اثبات شود که پزشک در درمان بیماری بی‌احتیاطی و غفلت کرده و یا مهارت لازم را نداشته است. عمدتاً اگر قرینه‌ای دال بر تعهد به نتیجه نباشد، مسئولیت صاحبان حرف را باید ناظر به حدود توانایی حمل نمود. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۴۹۵ به این موضوع که اگر پزشک براءت حاصل نموده باشد ولیکن دچار تقصیر شده باشد پزشک را مقصر قلمداد کرده است: هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا اینکه قبل از معالجه براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود و در تبصره یک ماده آمده است در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند براءت اخذ نکرده باشد. البته این موضوع در تعهدات بنا و معمار و مهندسين ناظر متفاوت است، چرا که تعهدات آنان تعهد به نتیجه است که همان مقاومت فنی و استحکام ساختمان است و اگر بنا خراب شود مقصر محسوب می‌شود مگر اینکه ثابت کنند خرابی ساختمان عوامل دیگری مرتبط بوده است.

- در فقه

در حقوق اسلامی قانون‌گذار احکام و قواعدی را درباره مسئولیت مدنی مقرر داشته است. در فقه از مسئولیت جبران خسارت به «ضمان» تعبیر شده است. منظور از ضمان ثبوت اعتباری چیزی در ذمه کسی به حکم شارع است (گرجی، ص ۲۵۷). این قواعد به دو نحو بیان شده‌اند: برخی بسیار کلی و عام هستند که پایه‌های اصلی مسئولیت مدنی ب آن‌ها استوار است و برخی دیگر از آن‌ها از بررسی و تحلیل روایات مأثوره قابل اصطیاد است. از این رو ادله فقهی مورد بررسی قرار گرفته و تحلیل حقوقی شده‌اند. بدیهی است که فقه اعم از حقوق ایران است، بطور مثال قانون مسئولیت مدنی تفاوت‌های متعددی با مباحث مطروحه در فقه دارد و همچنین می‌توان به قانون تجارت و یا قوانین دیگر از جمله قانون آلودگی هوا، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و ... اشاره نمود.

۱- ادله فقهی مسئولیت مدنی

ادله فقهی مسئولیت مدنی بدین شرح است.

۱-۱- قاعده اتلاف

قاعده اتلاف مورد استفاده فقها در باب ضمان بوده است. بر اساس این قاعده «هرکس مال غیر را تلف کند ضامن است». فقها درباره اعتبار قاعده اتلاف گفته‌اند: «لا یحتاج فی اثبات کون الاتلاف موجبا للضمان الی ذکر الادله و کفی ما دل الضروره و الاجماع و النصوص الکثیره» (حسینی مراغی، ج ۲، ص ۴۳۴). اثبات اینکه اتلاف موجب ضمان است نیازی به ادله ندارد و ضرورت اجماع و نصوص فراوانی بر آن دلالت می‌کنند.

صاحب جواهر درباره ضمان متلف بیان می‌کند: «بلاخلاف فیه بین المسلمین فضلا عن المومنین بل الاجماع بقسیمه علیهم یکن ضرویاً» (نجفی، ج ۳۷، ص ۴۶). درباره ضمان اختلافی میان مسلمانان نیست تا چه رسد به مؤمنان بلکه

دو قسم اجماع (محصل و منقول) دلالت بر آن می‌کند، اگر ضمان از جمله ضروریات تلقی نگردد؛ بنابراین در اصل اینکه اتلاف از موجبات مسئولیت مدنی است تردیدی وجود ندارد، ولیکن در خصوص این که آیا در روایات این قاعده دقیقاً منصوص باشد و یا اینکه اصطیادی از سایر روایات و الفاظ مختلف است، نظرات فقها متعدد است:

الف- نص بودن قاعده

علامه حلی در عبارتی این گونه به قاعده استناد می‌کند: «لقوله من أتلف ضمن» از عبارت «لقوله» فهمیده می‌شود که وی «من اتلف ضمن» را مدلول روایت می‌داند. سید محمد کاظم یزدی نیز در رد شرطیت اختیار اسناد تلف به شخص می‌گوید: «إن الظاهر من قوله عليه السلام من أتلف مال الغير اعم» (طباطبایی یزدی، ج ۲، ص ۱۴). مطابق این عبارت، ایشان قاعده اتلاف را منصوص دانسته‌اند. صاحب جواهر نیز از قاعده با عنوان «الحديث المشتهر على السنه الفقهاء» یاد کرده است (نجفی، ج ۳۱، ص ۹۱). امام خمینی در کتاب مکاسب محرمه می‌فرماید که مستند قاعده را موثقه ابی بصیر بیان کرده است. در این روایت آمده است: «عن ابی جعفر علیه السلام قال، قال رسول الله صلی الله علیه و آله سباب المومن فسوق و ... و حرمة ماله كحرمة دمه» بنابراین هرکس مال دیگری را تلف کند ضامن است (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۲۷۹).

نکته دیگری که از این روایت می‌توان استنباط نمود آن است که نسبت به عمد و غیر عمد شمولیت دارد، زیرا حکم وضعی ضمان اختصاص به حالت عمد نداشته و شامل موارد شبه عمد و خطا هم می‌گردد همین وضعیت درباره تلف مال هم متصور است و تلف را به هر صورتی که باشد باید موجب ضمان دانست، زیرا در روایت به صورت مطلق مال به خون تشبیه شده است (لنکرانی، ص ۴۸). در خصوص دلالت حدیث بر ضمان دو نکته قابل توجه است.

نکته اول: معنای احترام مال مؤمن این است که برای او نمی‌توان مزاحمتی ایجاد کرد؛ بنابراین عدم تدارک و نپرداختن خسارت ابقای مزاحمت بوده و ممنوعیت مذکور در روایتان را در بر می‌گیرد. نکته دوم احترام مال به معنای مجانی نبودن و هدر نبودن مال است. هر مالی دو حیث دارد یکی اینکه بدون رضایت فرد آن مال قابل تصرف نیست و دیگری اینکه احترام به نفس مال است و اگر دیگری آن را تلف کند، باید از عهده خسارت برآید؛ بنابراین روایت اتلاف اطلاق دارد و برای جان و مال مسئولیت مدنی را متصور ساخته است.

ب- اصطیادی بودن قاعده

برخی از فقها بیان داشته‌اند که قاعده اتلاف منصوص نمی‌باشد. آنان بر این باورند که این قاعده از روایاتی که در باب موضوعات مختلف و پراکنده بوده استخراج شده است. فقها در دسته‌بندی و کلی سازی این احکام، قاعده اتلاف را پی‌ریزی کرده‌اند (اصفهانی، ج ۱، ص ۳۲۱). نتیجه مهم این اندیشه آن است که قاعده بر موارد خارجی قابل تطبیق نیست و در این حالت باید به مستند قاعده رجوع کرد؛ یعنی هرگاه تلف مستند به شخص باشد ضمانت وجود دارد ولی اگر نتوان عرفاً اسناد را برقرار کرد یا در غیر مورد مال باید به ادله مراجعه کرد. به نظر می‌رسد این مقدار حکم را بتوان از روایات به دست آورد و قاعده اتلاف را چه به صورت مباشرت و چه به صورت تسبیب

موجب ضمان دانسته و در مواردی که این قاعده صادق نباشد، به روایات مراجعه کرد و در صورت عدم دلالت روایات باید حکم به عدم مسئولیت داد (حکمت نیا، ص ۸۶).

ج- ادله عمومی قاعده ادله

به دو دسته عمومی و خاص تقسیم می‌شوند.

د- آیه اعتدا

شیخ طوسی (طوسی، ج ۳، ص ۴۰۲). برای اثبات ضمان به مثل در اموال مثلی و ضمان به قیمت در اموال قیمی به آیه اعتدا (فمن اعتدا علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم (سوره بقره آیه ۱۹۴) استناد کرده است. آیه مزبور درصد بیان قاعده کلی مقابله به مثل است. مقابله به مثل در جنگ تنها مصداقی از آن است. امام خمینی نیز در تبیین آیه چنین فرموده‌اند که: از اجازه شارع به گرفتن مثل یا قیمت روشن می‌شود که تجاوز موجود ضمان است، بنابراین این که گفته شده است آیه دلالت بر ضمان ندارد بلکه بر تقاضا دلالت می‌کند، درست نیست؛ به عبارت دیگر اگر کسی مال دیگری را تلف کند دیگری حق دارد به مال او همان تجاوز را بنماید. در نظر عرف معنای این سخن آن است که او دارای حق است و وقتی مال دیگری را می‌گیرد از روی حق می‌گیرد. فقهای عظام برای یافتن وجه شرعی ضمان به مثل در اموال مثلی، بیشتر این آیه را مورد تحلیل قرار داده‌اند.

ح- روایات عمومی

در مورد مسئولیت مدنی مضمون روایات عمومی تقریباً یکسان است. از امام صادق (ع) نقل شده است که: «من أضر بشيء من طریق المسلمین فهُوله ضامن: هرکسی به سببش در راه مسلمین ضرر وارد کند ضامن آن است. در روایت دیگری آمده است (عاملی، ج ۲۹، ص ۲۴۳). «کل من أضر بشيء من طریق المسلمین فهُوله ضامن» در صحیح حلبی آمده است: کلتیء یضر بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه (کلینی، ج ۷، ص ۳۵۰). همچنین در روایت دیگری از امام صادق بیان شده است که (طوسی، ج ۹، ص ۱۵۸) من أضر بطریق المسلمین شیئا فهو ضامن. این‌ها روایات عامی است که دارای سند معتبر بوده و می‌توان به عنوان قاعده کلی در مسئولیت مدنی از آن‌ها استفاده کرد و فقهای بزرگی به استناد همین روایات در موارد متعددی حکم به ضمان کرده‌اند (علامه حلی، ج ۲، ص ۲۶۵: آخوند خراسانی، ص ۸۰، امام خمینی، ج ۱، ۹۸)؛ بنابراین اگر کسی به مسیر مسلمانان ضرر وارد کند و مشکلی ایجاد نماید و بر اثر آنشی به دیگری که از آن راه استفاده می‌کند ضرر وارد شود شخص وارد کننده مزاحمت ضامن زیان وارده است. مثلاً اگر شخصی در راه مسلمانان چاهی بکند و دیگری در آن بیفتد، حفر کننده ضامن است زیرا به همراه مسلمانان ضرر و نقص وارد کرده و این نقص باعث زیان به دیگری شده است.

ط- روایات خاص

علاوه بر ادله عمومی، روایات خاص و در موضوعات معینی هم وجود دارد که از مصادیق اتلاف به شمار رفته و از موارد مسئولیت مدنی به نظر می‌رسند.

مسئولیت مدنی متصرف حیوان: در روایات در خصوص شناختن متصرف چهارپایی که موقع عبور از راه‌های مسلمانان موجب خسارت شوند آمده است: «لیس علیه ما أصابت برجلها و علیه ما أصابت بیدها و اذا وقف فعلیه ما

اصابت بیدها و رجلها و ان کان یسوقها فعلیه ما اصابت بیدها و رجلها ایضاً نسبت به زیان‌های وارده به وسیله پاهای حیوان چیزی به عهده آن شخص نیست و او نسبت به زیان‌های وارده با دست حیوان مسئولیت دارد. اگر حیوان بایستد فرد نسبت به ضررهای وارده با دست و پاهای حیوان مسئول است و اگر فرد از پشت سر حیوان حرکت کند باز هم مسئول زیان‌های وارده به وسیله دست و پای حیوان است.

مفاد روایت قاعده اتلاف است. در حقیقت مسئولیت زیان وارد شده به وسیله دست حیوان بر عهده متصرف است، زیرا وی حیوان را تحت اشراف خود دارد و زیان به وسیله پای حیوان منسوب به متصرف نیست و رابطه سببیت محقق نمی‌گردد. به نظر می‌رسد این روایت برای متصرف حیوان فرض یا اماره مسئولیت کرده است.

روایات دیگری در همین زمینه و با مضمونی شبیه به آن در احادیث وارد شده است که حکایت از مسئول تلقی شدن متصرف حیوان است (شیخ صدوق، ج ۴، ص ۱۱۵، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۷، ص ۳۵۱).

مسئولیت مدنی شاهد: اگر شهادی شهادت کذب و باطل بدهد، مسئول خسارت‌های است که ناشی از شهادت اوست. از امام صادق (ع) نقل شده است: ان کان شی قائماً بعینه رد علی صاحبه و ان لم یک قائمه ضمن بقدر ما أتلف من مال الرجل (عاملی، ج ۱۸، کتاب شهادت باب ۱۱، ح ۲): اگر خودشی وجود داشته باشد به صاحبش برگردانده می‌شود و اگر وجود نداشته باشد شاهد ضامن چیزی است که از مال شخص تلف شده است. به خوبی روشن است که آنچه موضوع حدیث است در صورتی که تلف شده باشد، به صاحب آن شیء خسارت وارد گردیده پس شاهد کاذب باید تلف را جبران کند، پس ضامن پرداخت خسارت است.

مسئولیت مدنی صاحبان حرفه و پیشه: اجاره بر سه نوع است: اجاره اعیان، اجاره حیوانات و اجاره اشخاص. در اجاره اشخاص شخص اجیر می‌شود تا کاری را برای دیگری انجام دهد در اجاره اشخاص ممکن است مالی در اختیار اجیر قرار گیرد، مثلاً پارچه را به خیاط دهد تا لباسی برای وی بدوزد هر چند در این موارد اجیر امین بشمار می‌آید و امین ضامن نیست مگر آنکه تعدی و تفریط کرده باشد اما آنچه در اینجا قابل طرح است آن است که در صورتی که اجیر عمل را درست انجام ندهد مثلاً پارچه را بلند یا کوتاه بدوزد و برش بزند و موجب بروز خسارت گردد، بدون تردید وی در این حالت ضامن پرداخت خسارت خواهد بود.

در زمینه مسئولیت صاحبان حرف از امام صادق (ع) پرسیده شد و ایشان فرمودند: سألته عن القصار یسلم الیه المتاع فیخرقه أو یخرقه أیغرمه؟ قال: غمه بما جنت یده (همان، باب ۲۹، ح ۸) از امام صادق (ع) از رنگرزی پرسیدم که کالایی به او تسلیم شده و او کالا را پاره کرده یا سوزانده است آیا بایستی خسارت و غرامت آن را بپردازد؟ امام فرمود: او را به جنایتی که با دستش انجام داده است جریمه کن. هر چند روایت درباره رنگرز آمده است، اما ملاک آن عام بوده و شامل همه موارد اتلاف می‌گردد.

ی- قاعده اتلاف و ضمان تعدی و تفریط

از جمله عوامل اسقاط ضمان «امین بودن» است؛ یعنی اگر مال شخصی در دست دیگری به صورت امانت باشد و در این هنگام به آن خسارتی وارد آید امین مسئول پرداخت و جبران خسارت نیست و اگر فرد امین تعدی و یا تفریط کرده باشد مسئول هر گونه زیان وارده است هر چند تلف مستند به فعل او نباشد. نکته قابل تأمل اینکه در تعدی و

تفریط امین، لازم نیست تلف مستند به تعدی یا تفریط باشد، بلکه تعدی و تفریط موجب مسئولیت عینی امین می‌گردد و شخص موظف به استرداد کالا در صورت موجود بودن عین و یا مثل و قیمت آن است؛ بنابراین قاعده اتلاف به عنوان مبنای مسئولیت مدنی با موارد تعدی و تفریط تفاوت دارد و مسئولیت در تعدی و تفریط نسبت به اتلاف اعم است (حسینی مراغی، ج ۲، ص ۴۳۵). تعدی و تفریط در موارد دیگری هم کاربرد دارد که عبارت است از مواردی که فرد با استفاده از مال خود موجب تضرر دیگران شود. مثلاً در حیاط منزل خود آتشی روشن کند و آن آتش به خانه همسایه سرایت یابد و موجب اتلاف مال وی شود، در این مورد از باب تعدی و تفریط فرد دارای مسئولیت مدنی خواهد بود.

۱-۲- قاعده تسبیب

در کنار قاعده اتلاف عموماً از قاعده تسبیب نیز بحث می‌شود. ابتدا مستند قاعده و سپس درباره ماهیت آن بحث می‌کنیم.

الف- مستند قاعده

مهم‌ترین مستند قاعده روایاتی است که حاکی از مسئولیت مدنی شخصی است که به طور مستقیم موجب بروز خسارت به دیگری شده است. در این خصوص دو گروه روایت وجود دارد. روایاتی که متضمن مسئولیت شخصی است که اگر مستقیماً اتلاف را انجام نداده ولی فعل فاعل مختار دیگری بین فعل زیان‌بار و ضرر فاصله شده است. امام صادق (ع) فرموده‌اند: کل شیء یضر به طریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصی به (عاملی، ج ۲۹، باب موجبات ضمان، ح ۱) و همچنین از امام صادق پرسیده شد که مردی چاهی در غیر ملک خود حفر کرده و مردی از آن عبور کرده و در چاه می‌افتد امام فرمودند: علیه الضمان لأن کل من حفر فی غیر ملکه کان علیه الضمان: بر حفر کننده چاه ضمان است برای اینکه هرکس در غیر از ملک خود چاه حفر کند، ضامن است (همان، باب ۸، ح ۱) روایت دیگر ناظر به مواردی است که میان فعل زیان‌بار و زیان، فاعل مختار و با اراده فاصله شده است. از ابی عبدالله سؤال شد که توبه شاهد زور چگونه است و امام فرمود: یؤدی من المال الذی شهد علیه بقدر ما ذهب من ماله (همان باب ۱۱ ح ۱) بنابراین هر دو دسته از روایات ناظر به تسبیب است که برخی با وجود فاصله و دیگری بدون فاصله فاعل مختار است.

ب- ماهیت قاعده تسبیب

درباره ماهیت قاعده تسبیب اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی آن را انکار دیگری آن را به قاعده اتلاف ارجاع داده و دسته سوم نیز برای آن ماهیت مستقل فرض کرده‌اند.

انکار قاعده تسبیب: صاحب جواهر، قاعده عمومی با عنوان تسبیب را نمی‌پذیرد. عمده دلیل وی نبود عنوان «سبب» یا «تسبیب» در ادله فقهی و عدم امکان اصطیاد قاعده کلی از روایات پراکنده مسئولیت مدنی است. وی بر این باور است که برای مسئولیت مدنی، اتلاف باید حقیقتاً محقق شود و در صورت فقدان اتلاف معیار و ضابطه روایات متعددی است که تنها می‌توان با الغای خصوصیت مسئولیت مدنی را به موارد مشابه آن تسری داد (نجفی، ج ۳۷، ص ۵۰ و ۵۱). با این استدلال صاحب جواهر قاعده تسبیب را منکر شده و معیار را روایات قرار داده است؛ بنابراین

اگر تلف به فعل شخص اسناد داده شود قاعده اتلاف جریان خواهد داشت، اما اگر نتوان اسناد داد، اصل عدم مسئولیت است مگر آنکه بتوان از روایات دلایلی بر مسئولیت یافت.

ارجاع قاعده تسبیب به اتلاف: مرحوم مراغی معیار را صدق عرفی دانسته‌اند. معیار تسبیب در کلمات فقها را توجه به همین معیار دانسته‌اند. ایشان اظهار داشته‌اند که: کان منشاء الضمان انما هو الاتلاف علی ما يظهر من النص و الفتوی فالمدار علی صدق المتلق عرفاً و تحدد هم بالمباشرة و التسبیب و نحو ذلک انما هو لضبط ما یصدق علیه العرف و الالم یدل دلیل علی المباشرة و التسبیب و تقدم احد هما علی الاخر عند الاجتماع، فینبغی ان يجعل المعیار الصدق العرفی» (حسینی مراغی، ج ۲، ص ۴۳۵).

امام خمینی نیز در این خصوص چنین فرموده‌اند: ضمان دو سبب دیگر هم دارد: اتلاف و تسبیب به عبارت دیگر ضمان یک سبب داشته که همان اتلاف است. چه اینکه اتلاف به صورت مباشر باشد یا به صورت تسبیبی (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۶۸).

قاعده مستقل از اتلاف: مرحوم سید حسن بجنوردی با اشاره به روایت «من اخرج میزاباً» بیان کرده‌اند که: انصاف این است که از این روایت قاعده کلی استظهار می‌شود. قاعده این است که: هر فعلی که از فاعل عاقل مختار صادر شد و آن فعل عادتاً سبب وقوع تلف در مال یا جان مسلمانان باشد و بین آن فعل و تلف، فعل فاعل عاقل از روی عمد و اختیار به طوری که در نزد عرف و عقلاً تلف به او اسناد داده شود، فاصله نشود، فاعل چنین سببی ضامن است (بجنوردی، ج ۲، ص ۳۸). شهید صدر به صراحت قاعده تسبیب را از اتلاف جدا دانسته و به بیان نموده است: «التحقیق إن موجب الضمان المال لا ینحصر با حد الأمرین من الید و الاتلاف بل التسبیب بعنوانه ولو فی الجملة ملاً ثالث للضمان» (صدر، ج ۴، ص ۳۱۹). تحقیقان است که موجب ضمان مال منحصر به قاعده ید و اتلاف نیست بلکه عنوان سومی هم وجود دارد که تسبیب است هر چند فی الجملة باشد.

۱-۳- قاعده لاضرر و لاضرار

از قواعد مهم فقهی که دارای آثار فراوانی است قاعده «لاضرر و لاضرار» است. در اعتبار سند آن اختلافی وجود ندارد (انصاری، ج ۲۳، ص ۱۱۲). ارتباط قاعده فوق با مسئولیت مدنی در آن است که بتوان از آن قاعده، ضمان قهری را استفاده و استنباط نمود. طرفداران استفاده مسئولیت مدنی از قاعده لاضرر دارای دیدگاه‌های متفاوتی‌اند؛ به عبارت دیگر لاضرر را بر گونه‌های مختلفی تحلیل نموده‌اند که بدان‌ها اشاره می‌شود:

الف- نفی ضرر غیر متدارک

این دیدگاه از رف مرحوم فاضل تونی مطرح گردیده است. وی در توضیح مبنای خود آورده است: در روایت لاضرر، نفی ضرر بر مبنای حقیقی‌اش حمل نمی‌شود، چون ضرر نفی نشده است، بلکه ظاهراً مراد آن است که ضرر بدون جبران خسارت به حسب شرع نفی شده است (حسینی مراغی، ج ۱، ص ۳۱۸). مبنای این استدلال آن است که در عالم خارج و عالم واقع ضررهای فراوانی واقع می‌شود پس به ناچار باید گفت منظور از نفی ضرر، ضرر بدون جبران است. در نتیجه هر ضرری دارای جبران است و تعهد به جبران همان مسئولیت مدنی است. این استدلال مورد نقد و چالش جدی قرار گرفته است. شیخ انصاری این احتمال را ناموجه‌ترین قرائت از حدیث لاضرر

دانسته‌اند؛ زیرا ضرر خارجی با حکم شرع به لزوم تدارک، نازل منزله عدم نخواهد شد و آنچه با معنای حقیقی مناسب است «ضرر متدارک» است نه حکم به لزوم تدارک ضرر؛ بنابراین وقتی می‌توانیم بگوییم ضرر وجود ندارد که وارد کننده ضرر آن را جبران کرده باشد، اما هرگاه در قانون مقرر شده باشد که شخص وارد کننده ضرر ملزم به پرداخت خسارت است نمی‌توان گفت ضرر وجود ندارد.

ب- اثبات مسئولیت از طریق تلازم

این مبنا توسط صاحب عناوین بیان شده است. وی کلمه «لا» را در معنای نهی می‌داند و اظهار داشته است که اگر هم «لا» برای نفی باشد کلماتی نظیر مباح، مجوز و مشروع مقدر شده‌اند، سپس ادامه می‌دهد که در این صورت نیز حتی اگر «لا» را نافیه بدانیم، معنای تحریم و منع از آن اصطیاد می‌شود؛ بنابراین اگر در خارج ضروری واقع شود تنها حکم به حرکت اضرار معضلی را حل نمی‌کند بلکه باید مسیری برای رفع ضرر ارائه داد (انصاری، ص ۱۱۵). مرحوم مراغی سپس به این نتیجه می‌رسد که رفع کننده ضرر، شخص وارد کننده ضرر است: «بعد ما علمنا أن هذا شيء قبيح، فمتى ما صدر من شخص و كان قابلاً لرفع قبحة و يحكم العقل القاطع بلزوم رفع هذا العمل القبيح على فاعله: (حسینی مراغی، ج ۱، ص ۳۱۸) وقتی دانستیم ایراد ضرر قبیح است، پس هرگاه ضرر از شخص صادر شود و قبح آن قابل رفع باشد، عقل به لزوم رفع عمل قبیح از طرف فاعل حکم می‌کند.

برخی از علمانی حقوقی غربی نیز بر این مسئله توجه کردند و در قاعده ممنوعیت ضرر گفته‌اند: قاعده اول در حکم قاعده پایه است و دلالت بر ممنوعیت اضرار می‌کند و قاعده دوم که ابتدا بر قاعده اول دارد بیانگر این است که اگر ضرری واقع گردد باید آن را جبران نمود. تعهد اول را Primary obligation و تعهد دوم را secondary obligation و یا تعهد جبرانی گویند (Faure, 2012. P 255. p 38).

مرحوم مراغی دیدگاه خویش را این‌گونه استوار می‌کند که: اضرار حرام است و اگر نقضی به وجود آمده در صورت جبران، دیگر اضرار نخواهد بود، بنابراین چنین نتیجه گرفته می‌شود که ابقا بر حالت ضرر که در قدرت و اختیار شخصی وارد کننده ضرر بوده اضرار حرامی است. از این رو لازمه این سخن آن است که وجوب رفع ضرر توسط وارد کننده ضرر خواهد بود (همان، ص ۳۱۹). بر اساس این دیدگاه اگر جایی ضرر واقع شد به مقتضای ادله لاضرر بی می‌بریم که چیزی به عنوان رافع ضرر به نحوی که دیگر ضرر صدق نکند، وجود دارد زیرا اگر چنین رافعی وجود نداشته باشد، به معنای وقوع و جواز ضرر است، حال آنکه مفروض انگاشتیم، در شریعت ضرر وجود ندارد.

د- نفی حکم به لسان نفی موضوع ادعائاً

این نظریه توسط مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه بیان گردیده است (آخوند خراسانی، ج ۲، ص ۷۲)؛ یعنی در عالم واقع و خارج می‌بینیم که موضوعات ضرری وجود دارد، سپس ادعا می‌شود که موضوع ضرری نیست، وقتی موضوع نبود، حکم هم ادعائاً منتفی می‌شود. مثل لاشک لکثیر الشک، کثیر شک واقعاً شک نمی‌کند ولی ادعائاً می‌گوییم شک وجود ندارد دیدگاه شیخ انصاری با دیدگاه آخوند خراسانی دو تفاوت دارد نخست آنکه در مبنای آخوند خراسانی، لاضرر حکومت واقعیه دارد بر ادله اولیه تضحیقا از جانب موضوع اما بر مبنای شیخ اعظم لاضرر حکومت واقعی دارد بر ادله اولیه تضحیقا از جانب محمول و دوم اینکه بر اساس نظر آخوند اگر نفس حکم ضرری

بود ولی موضوع ضرری نبود این قاعده پیش نمی‌آید؛ اما طبق نظر شیخ اگر نفس حکم ضرری بود این حکم از صفحه تشریح برداشته می‌شود (موسوی، ج ۲، ص ۲۳۷).

ح- نهی حکومتی

امام خمینی معتقدند که لاضرر، نهی از ضرر می‌کند نه نفی. ایشان معتقدند که پیامبر اکرم (ص) سه شأن دارند: شأن رسالت و نبوت، شأن حکومت و زعامت و شأن قضایی و فصل خصومت، هر جا و در هر مسئله‌ای که موضوع قضا و قضاوت با فعل امر توأم شده باشد، حکم حکومتی تلقی می‌شود، مگر آنکه قرینه‌ای برخلاف آن یافت شود. امام خمینی در مباحث تهذیب الاصول می‌فرمایند: وقتی ثمره از حکم رسول خدا تخلف کرد نیاز به تأدیب پیش آمد و آن وقت رسول اکرم برای حفظ نظام جامعه دستور به قطع درخت او را دارند، یعنی در حوزه حکومت من هیچ کس حق ندارد به دیگری ضرر بزند (خمینی، ج ۳، ص ۱۲۴). برخی از صاحب نظران براین دیدگاه انتقاد وارد نموده و بیان داشته‌اند که نهی دانستن «لا» برخلاف موازین ادبیات عرب است زیرا «لا» بر سر اسم نکره دلالت بر نفی جنس دارد و لسان لاضرر از باب حکومت نیست بلکه از باب تخصیص است؛ یعنی کلیه احکام و عموماً و اطلاقات با لاضرر تخصیص زده می‌شوند بدین معنا که جمیع احکام حجت هستند تا زمانی که ضرری نباشد (موسوی بجنوردی، قواعد فقه ۲، ص ۲۳۷). در موارد مسئولیت مدنی فرض بر این است که در خارج زیانی به شخص وارد شده است. شخص وارد کننده زیان، اگر مالی را می‌دهد، زیان سابق از بین نمی‌رود، بلکه پرداخت خسارت، جبران چیزی است که از بین رفته است، به خصوص اینکه گاهی پرداخت مال و تدارک ضرر از این طریق، از روی ناچاری و فقدان شیوه دیگر برای جبران است به طور مثال اگر کسی به سلامتی دیگری آسیب وارد کند، پول هیچ گاه نمی‌تواند سلامتی شخص را اعاده کند ولی از دیگر سو شیوه جبران دیگری هم وجود ندارد. نکته قابل توجه اینکه سخن مادر عالم تشریح است، بنابراین در صورت وقوع ضرر، به هیچ وجه نمی‌توان آن چه را که از دست رفته اعاده نمود ولی چاره‌ای نیست جز این که وارد کننده زیان باید زیان وارده را تدارک کند و راه دیگری وجود ندارد. حال اگر شارع این حکم را امضا نکند، با وضع نکردن حکم، شارع ضرر دیگری را باعث می‌شود که قاعده لاضرر آن را نفی می‌کند؛ بنابراین قاعده لاضرر به ضرر دیگری نظر دارد که در صورت عدم مسئولیت مدنی در عالم اعتبار محقق خواهد شد (مکارم شیرازی، ص ۸۰). حال اگر ضرر از ناحیه شخص باشد، مسئولیت جبرانی نیز بر عهده اوست و در جایی که ضرر مستند به شخص خاص نباشد و یا از ناشی از قوه قاهره و آفات آسمانی باشد، دیگر جایی برای اعتبار حکم تشریحی وجود ندارد تا عدم جعل آن ضرری تلقی شود.

نتیجه‌گیری

هرچند در فقه اسلامی عنوان خسارت زیست‌محیطی مسئولیت کیفری وجود ندارد اما فقه اسلامی ظرفیت و انعطاف بالایی جهت پاسخ‌گویی به مسائل مسئولیت کیفری دارد. ادله و قواعد متعددی در فقه وجود دارد که می‌تواند گستره و قلمرو مسئولیت کیفری را شامل شوند. در فقه شیعی جبران خسارت ناشی از ضرر به غیر است نه تقصیر که توسط دیگری وارد شده باشد. معیار تلف نیز صدق عرفی و اسناد عرفی به متلف است. مقصود از تعدی و تفریطی در عبارت فقها تقصیر نیست بلکه رابطه استنادی برای احراز رابطه سببیت است. می‌توان گفت مبنای مسئولیت مدنی

در آلودگی‌های زیست محیطی در فقه عمدتاً مأخذ از دو قاعده لاضرر و اتلاف است تا زمانی که رابطه اسنادی در ورود ضرر ثابت شود از قاعده اتلاف و در هنگامی که این رابطه وجود نداشته باشد، باید به قاعده لاضرر تمسک جست تا اینکه ضرری جبران نشده باقی نماند؛ قاعده لاضرر و اتلاف تأکید بر مسئولیت مطلق بدون جبران نماندن خسارت است. مواد ۴۹۲، ۵۲۹، ۵۲۶، ۵۱۷، ۵۰۸، ۵۰۵، ۵۰۰، ۴۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به رابطه اسنادی عرفی تصریح کرده‌اند؛ بهتر است که مسئولین و دست‌اندرکاران تدوین و تصویب قانون جامع محیط زیست جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست؛ دادرهای تخصصی تشکیل دهند که خدا را شکر در قانون آیین دادرسی کیفری جدید قانون‌گذار به این امر توجه کرده است. قوانین زیست محیطی ایران بسیار قدیمی و کهنه‌اند؛ نگاه فقهی و حقوقی در خصوص محیط زیست بیشتر حاکی از کلیات است و لازم است که متناسب با تغییرات اجتماعی، زبان بیان موضوعات حقوقی فقهی نیز دچار تحول شود و پاسخ گوی مسائل روزآمد کشور بشود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود اکنون با توجه به روند روزافزون آلودگی‌ها که در اثر صنعتی شدن و بهره‌برداری زیاد و غیرمنصفانه از منابع طبیعی ایجاد شده است، اتخاذ تدابیر لازم جهت مبارزه با این تهدیدها ضروری می‌نماید. از جمله ابزار قابل استفاده در این زمینه، حمایت حقوقی و استفاده از فن قانون‌گذاری است که حکومت می‌تواند از آن به عنوان ابزاری جهت حمایت از محیط زیست و جامعه استفاده نماید؛ و نیز لزوم ایجاد مکانیسم‌های جدید یا تقویت آن‌ها از طریق تدوین قوانین جدید در این زمینه ایجاد قوانین نوین در بخش‌هایی که فاقد قوانین مناسب است (نظیر اطلاع‌رسانی، دستور جبران ضرر توسط دادگاه، امکان صدور اخطاریه‌های لازم توسط مراجع اداری و...) ضروری است. بدیهی است این قانون‌گذاری باید با مطالعه کافی در بخش‌های آسیب‌پذیر صورت گیرد و قوانین وضع شده شفاف، جامع و کامل بوده و از ضمانت اجرای مناسب برخوردار باشند به گونه‌ای که تناسب میان ضرر وارده به محیط زیست و مجازات متخلف برقرار گردد. همچنین لزوم بازنگری در قوانین موجود و به‌روز کردن آن‌ها همان‌طور که ملاحظه شد در بسیاری از قوانین داخلی با وجود تصریح به مجازات، در حال حاضر برخی مجازات متناسب با جرائم ارتكابی نمی‌باشند و ضمانت اجرای کافی برای جلوگیری از وقوع آن جرم محسوب نمی‌گردد (مثل تجاوز به منابع طبیعی) و در برخی از موارد جزای نقدی مندرج در قوانین با توجه به مرور زمان و کاهش ارزش پول، اثر بازدارندگی خود را از دست داده است. لذا بازنگری در قوانین فعلی و ایجاد تناسب مابین مجازات و جرم ارتكابی ضروری به نظر می‌رسد. و نیز لزوم تأکید در به‌کارگیری ضمانت اجرای قوانین موجود همان‌گونه که اشاره شد، در ایران علیرغم داشتن سازوکار قانونی لازم و نسبتاً مناسب جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست تاکنون نتوانسته‌ایم به ایفای نقش قابل قبولی در این زمینه برسیم. حتی در مواردی که مجازات نسبتاً شدید از حیث حبس و جزای نقدی در قوانین کیفری وجود دارد متأسفانه قضات با مسامحه از کنار آن‌ها می‌گذرند و از صدور حکم شدید در این زمینه خودداری می‌کنند خاصه اگر آلوده کننده خود قوه مجریه باشد. مسائل سیاسی یا وجود بار مالی حفاظت از محیط زیست برای دولت، بهانه دیگری است که قضات را به صدور احکام خفیف سوق می‌دهد، در حالی که با تشدید ضمانت‌های اجرایی و حتمی بودن اجرای مجازات، می‌توان از تجاوز به محیط زیست و آلودگی آن جلوگیری نمود. همچنین ضرورت ایجاد محاکم ویژه با توجه به اینکه موضوع محیط زیست نیاز به بینش و بصیرت و تخصص لازم در این زمینه دارد لذا ایجاد محاکم خاص برای رسیدگی به این جرائم اهمیت پیدا می‌کند.

حتی اگر قرار است رسیدگی به برخی از این جرائم در شوراهای حل اختلاف صورت پذیرد، باید شوراهای ویژه با حضور افراد متخصص صلاحیت‌دار تشکیل گردد. با توجه به اینکه در مسائل زیست محیطی تأخیر در رسیدگی و صدور حکم می‌تواند باعث تخریب بیشتر محیط زیست گردد، لذا رسیدگی به این جرائم باید به صورت خارج از نوبت در محاکم دادگستری و دادسراها و شوراهای حل اختلاف انجام گیرد. همچنین به منظور جلوگیری از سوء استفاده و اطاله دادرسی باید مهلت زمان معقولی را برای رسیدگی به این قبیل پرونده‌ها مقرر نمود. همچنین باید قضات و سایر مسئولین رسیدگی کننده را مکلف نمود تا قبل از وارد شده به ماهیت قضیه، دستور توقف عملیات اجرایی زیانبار را صادر نمایند. و نیز لزوم آموزش قضات و سایر کارکنان دستگاه‌های قضایی و اجرایی. آموزش اهمیت محیط زیست و انتخاب افرادی که علاقه به حفاظت از محیط زیست دارند، در بدو به کارگیری آن‌ها در زمینه رسیدگی به پرونده‌های محیط زیستی و تداوم آموزش‌ها و به روز رسانی اطلاعات زیست محیطی آنان می‌تواند در زمینه حفاظت از محیط زیست مفید باشد. در این زمینه تشکیل دوره‌ها و کلاس‌های ویژه اهمیت پیدا می‌کند؛ و در نهایت اطلاع رسانی به سایر اقشار جامعه و بالا بردن سطح دانش و فرهنگ زیست محیطی مردم نسبت به مسائل زیست محیطی ایجاد نظام اطلاع رسانی، شفاف‌سازی دستگاه‌های متولی حفاظت از محیط زیست، آموزش عمومی و آشنا نمودن مردم با مسائل زیست محیطی و حقوق محیط زیست از طریق وسایل ارتباط جمعی، آموزش‌های رسمی و غیررسمی و ایجاد حداقل یک واحد درسی در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها (بالأخص برای دانشجویان رشته حقوق)، می‌تواند زمینه را برای تحقق موضوع حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن را فراهم نماید.

منابع

- آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایه الاصول، ج ۲، ص ۷۲
- اصفهانی، محمدحسین، الحاشیه علی الکاسب، ج ۱، ص ۳۲۱
- السنهوری، احمد، الوسیط، ص ۷۶۱
- انصاری، مرتضی، رسائل فقیهه، ج ۲۳، ص ۱۱۲
- انصاری، مرتضی، رسائل فقیهه، ص ۱۱۵
- بجنوردی، سیدحسن، القواعد الفقیهه، ج ۲، ص ۳۸
- حسینی مراغی، سید عبدالفتاح، العناوین، ج ۱، ص ۳۱۸
- حسینی مراغی، سید عبدالفتاح، العناوین، ج ۱، ص ۳۱۸
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح العناوین، ج ۲، ص ۴۳۴
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح العناوین، ج ۲، ص ۴۳۵
- حسینی مراغی، میرعبدالفتاح، العناوین الفقیهه، ج ۲، ص ۴۳۵
- حکمت نیا، محمود، مبانی مسئولیت مدنی در فقه امامیه، ص ۸۶
- خمینی، روح الله، تهذیب الاصول (تقریر جعفر سبحانی) ج ۳، ص ۱۲۴
- خویی، سید ابوالقاسم، کتاب الاجاره، صص ۱۷۱، ۱۷۲
- ژوردن ف پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ص ۷۳. برای ملاحظه نظرات مختلف در تقصیر سنگین مراجعه کنید به سید حسین صغایی، تقصیر سنگین، مجله حقوقی، دانشگاه تهران، ش ۴

- شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، ص ۲۰۱
- شهیدی، مهدی، آثار قراردادهای و تعهدات، ص ۵۴
- صدر، سیدمحمدباقر، جوث فی الفقه، ج ۴، ص ۳۱۹
- طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم، حاشیه المکاسب، ج ۲، ص ۱۴
- طوسی، شیخ جعفر، الخلاف، ج ۳، ص ۴۰۲
- طوسی، شیخ، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۵۸
- عاملی، حر، ج ۱۸، کتاب شهادات باب ۱۱، ح ۲
- عاملی، حر، وسائل الشیعه، باب موجبات ضمان (۱۳) حدیث دوم
- عاملی، حر، وسائل الشیعه، ج ۲۹، باب موجبات ضمان، ح ۱
- عاملی، حر، وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۲۴۳
- علامه حلی، تحریر الاحکام فح ۲، ص ۲۶۵: آخوند خراسانی، حاشیه مکاسب، ص ۸۰ امام خمینی مکاسب محرمة، ج ۱، ص ۹۸
- فمن اعتدا علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم (سوره بقره آیه ۱۹۴)
- کاتوزیان ناصر، ضمان قهری، مسئولیت مدنی، ص ۱۹۴
- کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ص ۱۳۵
- کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، مسئولیت مدنی، ص
- کلینی، محمد بن یعقوب، الزوع من الکافی، ج ۷، ص ۳۵۰
- گرجی، ابوالقاسم، مقالات حقوقی، ج ۲، ص ۲۵۷
- لنکرانی، محمد فاضل، القواعد الفیهه، ص ۴۸
- مراغه‌ای، میرعبدالفتاح، العناوین، ج ۲، ص ۴۳۴
- مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقیهه، ص ۸۰
- موسوی بجنورد، سید محمد، قواعد فقه، ج ۲، ص ۲۳۷
- موسوی بجنوردی، سید محمد، قواعد فقه، ج ۲، ص ۲۳۷
- موسوی خمینی، سید روح اله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۶۸
- موسوی خمینی، سید روح اله، مکاسب محرمة، ج ۲، ص ۲۷۹
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۵۰ و ۵۱
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۷، ص ۴۶
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۹۱

Faure, Micheal, Environmental law, P 255, 2012, (ssrn.com) and peter Birkes, the concept of a civil wrong, edited by dovid G.owen, p 38.